

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)

سال هفدهم و هجدهم، شماره ۶۸ و ۶۹، زمستان ۱۳۸۶ و بهار ۱۳۸۷

کلام پروردگار در غزلیات خداوندگار مولانا (نگرشی بر تجلی قرآن در غزلیات شمس)

دکتر حسن حیدری^۱

چکیده

در این جستار به شیوه استفاده مولوی از قرآن و نحوه انعکاس لفظ و معنای آن در غزلیات شمس می پردازیم. تلاش ما در این مقاله پاسخگویی به این سوال است که قرآن چگونه انعکاسی در لفظ و معنی غزلیات شمس داشته است؟ یا به عبارتی الفاظ و معانی و اشارات قرآنی به چه شیوه هایی در غزل مولوی مجال بروز یافته است؟.

آیه های وحی به صورت عین لفظ و نیز به صورت معنا و مفهوم و به عبارتی به دو شیوه اقتباس و تلمیح در غزلیات شمس منعکس شده است. مولوی به اقتضای تربیت خانوادگی و لزوم استناد معارف صوفیه به قرآن، با این کتاب آشنایی عمیق داشته است. بیش از ۸۵۰ بیت در دیوان شمس به طور مشخص، متأثر از آیات است. از حیث بسامد آیه های مربوط به صفات و افعال خداوند در درجه نخست و آیه های مربوط به حالات و معجزات انبیای الهی در درجه دوم قرار می گیرند. آیات الهی در غزل مولوی در موارد بسیاری با تغییر و تصرف به کار رفته است، غیر از موارد

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک Heydari@yahoo.com

معدودی که تمام آیه بدون تصرف به کار رفته، در ابیات بسیاری، تغییر و تصرف شامل لفظ و معنی آیات است، گاهی کلمات آیه جابجا شده و گاه یک کلمه و گاه قسمتی از آیه آمده و باقی آن حذف شده است. تصرف و تغییر شامل معانی آیات نیز شده است، مولوی احوال روحی خود را با توجه به احوال انبیا در قرآن باز می گوید و حتی به آنها تشبیه می کند. در مواردی مانند توصیف اجزای طبیعت آن را با استفاده از مفهوم و مضمون و نیز کلمات آیات تصویر می کند. وی رسم باده ستایی را که از سنت شعر فارسی گرفته به ریح قرآنی پیوند می زند. در مواردی نیز از در آمیختن کلمات قرآنی با واژه های فارسی ترکیب های اضافی و وصفی نو می سازد و بدین ترتیب ترکیبی از شعر و عرش و شرع را به وجود می آورد.

واژه های کلیدی: قرآن، دیوان شمس، مولوی، تلمیح، اقتباس، آیه.

۱) مقدمه

شناخت شعر و اندیشه مولوی بدون توجه به قرآن کریم و تاثیری که از حیث لفظ و معنی بر سخن او داشته، کامل نیست. محققان تاثیر قرآن بر مثنوی را ضمن شرح های مختلف آن بررسی کرده اند و البته این بررسی در حد ارجاع تلمیحات و اشارات قرآنی آن به اصل خویش است. اما از نحوه استفاده مولوی از قرآن در غزلیات شمس حتی از این حد نیز، کمتر سخن گفته اند. از دلایل این امر توجه خاص پژوهشگران عصر حاضر و مولوی شناسان به مثنوی است. توجه به بسامد آثاری که در باب مثنوی از شرح و تفسیر گرفته تا نقد و تاویل آن منتشر شده گواه این مطلب است و کفه ترازوی آثاری که در باب غزلیات شمس نوشته شده، در قیاس با مثنوی سبک است.

آشنایی مولوی با قرآن، هم از جهت لزوم استفاده متصوفه از آیات وحی در انتساب سخنان خود به کلام خدا و هم از جهت سابقه اشتغال خانوادگی مولانا به وعظ و تذکیر است. (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۳۴۱).

در باب جواز درج و ترجمه آیات قرآن در شعر بحث بوده است. مناقشه قانعی طوسی با مولانا در باب تضمین الفاظ قرآن در شعر سنایی از این جمله است. هم چنین عالمان علوم قرآنی مانند زرکشی تضمین قرآن در شعر را مکروه شمرده، اما علمای بیان آن را جایز دانسته و از محبسات بدیعی شمرده اند. (همان، ۳۵۰ و ۸۰۶).

از علمای متأخر، شمس العلما قریب گرکانی نیز در کتاب ابداع البدایع در باب آرایه اقتباس قریب به همین مضمون را دارد «اقتباس اگر در مقام حکمت و موعظه و اخلاق باشد حسن موقع دارد و اگر در تغزلات باشد از راه ادب خارج شده است.» (گرکانی، ۱۳۷۷: ۷۴).

استفاده مستقیم از آیه های قرآن در سپیده دم شعر فارسی و نخستین ابیات موجود آن دیده می شود. در سروده دبیر یعقوب لیث و به روایتی نخستین شاعر فارسی گوی است که گفته:

لمن الملک بخواندی تو امیرا به یقین با قلیل الفته کت زاد در آن لشکر کام

(صفا، ۱۳۶۳: ۱/۱۶۶)

پس شاعران بزرگ فارسی زبان که عمدتاً حافظ قرآن بودند چگونه ممکن بود تحت تاثیر فصاحت و بلاغت قرآن قرار نگیرند و یا کلمات و معانی وحی در شعر آنان تجلی نکند.

۲) پرسش های جستار

باری، پس از این مقدمه بایسته تر است که این سوال کلی در قالب سوال های جزئی تر پاسخ داده شود:

۱- کدام یک از آیات وحی در غزل مولانا بیشتر به کار رفته یا تکرار شده است؟

۲- کلمات قرآنی در کدام قسمت از ابیات غزل بیشتر به کار رفته است؟

۳- آیا مفهوم و ترجمه آیات بیشتر درغزل مولوی به نظم درآمده، یا متن کامل و نیز قسمتی از آنها نقل شده است؟

۴. آیا استفاده از آیات بدون تصرف و تغییر لفظ است، یا به ضرورت وزن و قافیه و نظایر آن با تغییر و تصرف به کار رفته است؟

حد اقل فایده پاسخ به سوال های مطرح شده، این است که نوری بر بیشه اندیشه مولوی می افکند و تا حدی علت تکرار و بسامد بالای برخی کلمات و شخصیت های قرآنی را در سخن این شاعر آشکار می سازد.

قبل از شروع توضیحات مربوط به پرسش های مطرح، یک تقسیم بندی از مطالب ارائه می شود که تا حدی نحوه انعکاس آیات قرآنی را در غزلیات شمس نشان می دهد. این تقسیم بندی حاصل شمارش^۱ موارد بسیار جزئی ابیات مختلف و نتیجه گیری از آنهاست:

الف - به شیوه تلمیح (استفاده از آیه بدون کاربرد متن آیه یا کلمات آن)، شامل:

۱- ترجمه کامل یک آیه یا بیشتر و یا قسمتی از آن بدون تغییر و تصرف و به منظورهای مختلف، مثال: گفت ای موسی به کف چه داری؟ (غزل ۱۲۳/ب ۱۲، نسخه توفیق سبحانی: غ ۷۵۸۳/ب ۱۲)

این مصراع ترجمه کامل آیه: وما تلک بیمینک یا موسی، سوره طه ۲۰: آیه ۱۷، است.

۲- ترجمه کامل یا قسمتی از آیه همراه با تصرف و برداشت های شخصی به تناسب حال و مقام و از جمله در موارد استاد و استشهاد، مثال:

از عیب ساده خواهی خود را در او نگر / کو را ز راست گویی شرم و حذار نیست

(غ ۴۵۵/ب ۱۴، ت: غ ۵۷۶/ب ۱۴)

مصراع دوم این بیت مستفاد از قسمتی از آیه ۵۳ سوره احزاب (۳۳) است. مضمون اصلی آیه در باب لزوم سوال کردن اصحاب از زنان پیامبر (ص) از ورای حجاب است اما مولوی با استفاده از این آیه مخاطب را نصیحت کرده و تعلیم داده است. هم چنین بیت:

۱. شمارش براساس دیوان شمس تصحیح استاد فروزانفر انجام گرفته است. تصحیح توفیق سبحانی که آخرین تصحیح دیوان نیز محسوب است و در متن با حرف (ت) مشخص شده است. در ارجاع ابیات حرف (غ) نشانه غزل و حرف (ب) نشانه بیت است.

بحر که مسجور بود تلخ بود شور بود در دل ماهی روشش به بود از قند و غسل

(غ/۱۳۶۰/ب۱۱)

بحر مسجور تعبیر قرآنی است اما شاعر از آن، تمثیلی برای تاکید مقصود خود ساخته است، در حالی که اقتضای آیه سوگند خالق به یکی از مظاهر هستی است.

۳- استفاده ادبی (کاربرد شعری): ساختن ترکیب های اضافی و وصفی و تشبیهات و استعارات با توجه به مفاد آیات. مثال:

عشق داوود شود، آهن از نرم شود شیر آهو شود آنجا و از او آهو تر

(غ/۱۰۸۶/ب۵، ت: ۲۸۱۵/ب۴ و هم چنین: غ/۱۲۷۵/ب۵)

هم چنین تعبیر وصفی سوگند عظیم را در بیت:

به جان تو که سوگند عظیم است که جانم بی تو در بند عظیم است (غ/۳۴۴/ب۱)

با توجه به آیه: و انه لقسّم لو تعلمون عظیم، (واقعه ۵۶، آیه ۷۶) ساخته است.

ب- به شیوه اقتباس (استفاده از متن آیه)، شامل:

۱- درج متن یک یا بیش از یک آیه بدون تصرف در ابیات فارسی و عربی، مثال:

واللیل اذا یغشی ای خواب برو حاشا تا از دل بیداران صد تحفه بری امشب

(غ/۲۹۱/ب۴)

آیه اول سوره لیل (۹۲) به صورت کامل درج شده است. هم چنین در غزل ۳۰۱/ب۱، آیه ۷ سوره

انشراح (۹۴) به صورت کامل وارد بیت شده است.

۲- درج متن یک آیه یا قسمتی از آن با تصرفاتی چون جابجایی کلمات متن، افزودن به متن،

کاستن از متن و نظایر آن در ابیات فارسی و عربی به منظور های مختلف.

مثال حذف یک کلمه:

گر درد و فریادی بود در عاقبت دادی بود من فضل رب محسن عدل علی العرش استوی

(غ/۲۶۱/ب۸)

مثال تغییر و جابجایی و حذف:

جان باز اندر عشق او چون سبط موسی را مگو اذهب و ربک قاتلا انا قعود هاهنا غ/۲۶۱/ب ۶
 اصل آیه چنین است: قالوا یا موسی انا لن ندخلها ابدا ما داموا فیها فاذهب انت و ربک فقاتلا انا
 ههنا قاعدون. (مانده ۵: آیه ۲۴)، قسمت اول آیه حذف شده و قسمت آخر جابجا شده است.
 هم چنین در بیت:

بی عدد پیش جنازه می رود خوهای تو صبر تو و النازعات و شکر تو و الناشطات
 (غ/۳۸۵/ب ۴)
 شاعر از آیه های ۱ و ۲ سوره النازعات (۷۹) به اقتضای حال استفاده خاص کرده است. چنین
 است تعبیر هایی چون « قدحه و الموریات » و « ضبحه و العادیات » در غزل: ۹/۷۳۴/ب ۹ که بر مبنای
 آیه های ۱ و ۲ سوره العادیات (۱۰۰) ساخته شده است.
 ۳- درج اعلام قرآنی - عمدتاً پیامبران - به اقتضای حال و مقام و نیز به منظور الگوسازی و
 تشبیه به احوال آنها، مثال:

چون موسی رخ زردش توبه مکن از دردش تا یار نعم گوید گر گفتن لن دارد
 (غ/۶۲۶/ب ۹)
 ۴- استفاده ادبی (کاربرد شعری) شامل: اخذ کلماتی از آیات و به کار بردن آنها در ساخت
 بیت و نیز ساختن ترکیب هایی از کلمات قرآنی و فارسی به صورت ترکیب های وصفی و اضافی
 و تشبیهات و استعارات و سایر صور خیال. مثال: *شانی و مطالعات فریبگی*

ره رو بهل افسانه تا محرم و بیگانه *ترا حاتم علوم انسانی* از نورالم نشرح بی شرح تو دربابد

(غ/۵۹۸/ب ۱۲، ت: غ/۳۴۱/ب ۱۲)
 هم چنین ترکیب هایی چون نمره ارنی (غ/۱۱۴۱/۵)، لشکر و العادیات، آتش و الموریات
 (غ/۳/۸۹۲) و خرابات قاب قوسین (غ/۴۸۹/۹) که نظیر آنها در متون عرفانی فارسی بسیار یافت می
 شود.

آنچه نوشته شد نمونه هایی از کاربرد آیات در ابیات دیوان بود، اکنون سعی می کنیم به
 پرسش های مطرح شده جستار حاضر پاسخ بدهیم، پرسش نخست در دو بخش الف و ب بیان می

شود. بخش الف آن دسته از آیه های منعکس شده در دیوان شمس را شامل می شود که مربوط به توحید و بیان صفات و افعال خداوند متعال است و بیشترین بسامد را داراست. بخش (ب) آیه های مربوط به بیان حالات و معجزات انبیای الهی و سایر موضوع ها است.

الف - از مجموع ۳۲۲۹۰ غزل مطابق با چاپ مرحوم فروزانفر و ۳۲۶۰ غزل مطابق چاپ توفیق سبحانی - کاربرد اصطلاح غزل با تسامح است، چه از نظر تعداد ابیات بسیاری از غزل های مولوی همانند قصیده هستند - و ۴۴ ترجیع (چاپ توفیق سبحانی: ۴۳ ترجیع) که ۳۶۳۴۰ بیت، ۳۶۵۶۰ بیت دیوان شمس را دربرمی گیرد، بیش از ۸۵۰ بیت، ۸۶۶ بیت وجود دارد (۲) که در آنها گاهی متن کامل یک آیه و گاه قسمتی از آن و نیز در موارد بسیاری با تغییر لفظ و معنی آمده است. هم چنین بسامد برخی کلمات و تعبیر های قرآنی بیش از بقیه است. گاه مفهوم و ترجمه برخی از آیه ها بدون تغییر، جامه نظم فارسی پوشیده است و زمانی مضمون و مفهوم قرآنی نقل به معنی شده است. این موارد شامل ابیاتی است که اشاره مستقیم قرآنی دارد و اگر نه، اشارات غیر مستقیم لفظی و معنایی و ترکیب هایی که بر پایه تعبیر های قرآنی بر زبان مولوی جاری شده، بسیار بیش از این هاست. این مقدار ابیات احصا شده در قیاس با کل ابیات دیوان شمس، کم و در قیاس با بسامد اشارات قرآنی در مثنوی بسیار کمتر است. البته در این قیاس باید به ساختار دو منظومه توجه داشت، صبغه تعلیمی مثنوی قوی تر است و سخن تعلیمی و اقناعی نیاز به شاهد و تمثیل بیشتری دارد و با توجه به تبحر و تسلطی که مولانا بر متن و تفسیر قرآن داشته برای آوردن شاهد و اثبات و تاکید مطلب، قرآن یکی از منابع اصلی بوده است. در حالی که مولوی در غزل علاوه بر تعلیم، جوشش درونی، حالت های روحی و تجربیات عرفانی خود را بر آفتاب افکنده است. هر چند شیوه بیان ارتجالی و منبری در هر دو منظومه بارز است و اصولاً اعمال تقسیم بندی ارسطویی بر شعر مولوی روا نیست، در غزل او خرقة زهد و جام می در خور هم اند و لحن تعلیمی شعر از رنگ غنایی آن جدا نیست.

از میان بیش از ۸۵۰ بیت یاد شده، اندکی بیش از ۲۵۰ بیت مربوط به مواردی است که شاعر در آنها با استفاده از تعبیر های قرآنی از ذات و صفات و افعال خداوند متعال سخن گفته است. اولین وجه از وجوه تشابه صوری و معنایی کلام مولانا با کلام وحی همین جا آشکار می شود،

آیات قرآن عمدتاً مشتمل بر توحید و بیان صفات و افعال خداوند و دعوت بندگان به ایمان و تدبیر در آن هاست. نام های خداوند مانند الله و رب و یا صفات متعدد او و هم چنین ضمیرها و اسما اشاره ای که به ذات مقدس اله بر می گردند، تقریباً در هر آیه تکرار می شود. همین ساختار بر ابیات مورد بحث و در مجموع بر بیشتر غزلیات شمس و حتی بر مثنوی و معارف بهاولد - پدر مولانا - حاکم است. نام حق و افعال و صفات او در این بیت ها مکرر است، برای درک منسجم تر این موضوع و هم چنین توجه به این نکته که مولوی به کدام یک از صفات و افعال حق بیشتر توجه داشته است، آنها را دسته بندی می کنیم:

۱ - شاعر برخی از کلمات قرآنی را مستقیماً به صورت یک ترکیب یا صفتی به کار برده که موصوف آن حذف شده است. مانند: فالق الاصباح، رب الفلق، شدیدالمحال، عالم السر، الله الصمد، والله الغنی، ذی المعارج، رحمه للعالمین، لا شرقی و لا غربی، باقیات الصالحات و مالک الملک:

فالفق اصباحی و رب الفلق باز کنی صد درو گویی در آ

(دیوان شمس: غزل ۲۵۰ / بیت ۳)

تصلح میزانتنا تحسن الحاننا * تذهب اجزانتنا انت شدیدالمحال

(غزل ۱۳۵۲ / بیت ۷)

ملک بخشد مالک الملک از کرم علم بخشد علم القرآن بلی

(غزل ۲۸۹۹ / بیت ۷)

نی خمش کن عالم السر حاضر است نحن اقرب گفت من جبل الورد

(غزل ۸۲۴ / بیت ۲۲)

تو یاد کن الطاف خود در سابق الله الصمد در حق هر بد کار بد هم مجرم هر دو سرا

(غ ۲۳ / ب ۸)

نردبان حاصل کنید از ذی المعارج بررود تعرج الروح الیه والملائک اجمعون

(غ ۱۹۴۸ / ب ۳)

ما گسدا یانیم والله الغنی از غنی دان آن چه بینی با خدای

(غ ۲۹۰۲ / ب ۶)

گر درد و فریادی بود در عاقبت دادی بود من فضل رب محسن عدل علی العرش استوی

(غ ۲۶۱ / ب ۸)

هم چنین اییاتی که مولوی در آنها از ترکیب کلمات فارسی و تعبیر های قرآنی مجموعاً ترکیب هایی پدید آورده که هم چنان مقصود خداوند باری است، مانند: شهسوار هل اتی و... در بیت های زیر:

ای عشق خندان همچو گل وی خوش نظر چون عقل کل

خورشید را در کش به جل ای شهسوار هل اتی

(غ ۷ / ب ۵)

جانم نشد زینها خنک یا ذالسماء والحبک

ای گلرخ و گلزار من ای روضه و ازهار من

(غ ۱۷۹۱ / ب ۲۶)

آن مهی که نه شرقی و غربی است نور بخشد شبش چو ایامش

(غ ۱۲۹۰ / ب ۴)

چسبون علم بالقلم رهم داد پس تخته نانابسته خوانم

(غ ۱۵۶۶ / ب ۷)

۱-۱. آن دسته از تعبیر های مأخوذ از قرآن که خدا را فاعل مطلق و فاعل ما یشاء معرفی می کند و بر قدرت و عزت خالق دلالت دارد، با استناد به این گونه تعبیرات قرآنی با مشرب عرفانی مولوی همخوان است، مولوی اصل علیت را به صورت معهود قبول نداشته و از جمله دربیتی از مثنوی لب اندیشه خود را در این باب گفته است:

چاره آن دل عطای مبدلی است داد او را قابلیت شرط نیست

(نیکلسون، ۱۳۷۵، دفتر پنجم، بیت ۱۵۳۸)

از نظر او خداوند هستی را از راه جود و بخشش آفریده و این بخشش مدام است و تابع

اسباب نیست بل که برخلاف آن خداوند گاه سبب سوز است. سلسله علت ها نیز در نهایت به

همین نقطه باید برسد که در جایی، جود بدون شرط قابلیت و بخشش بی علت صورت گرفته است و اگر نه به دور و تسلسل می انجامد. این دیدگاه در سایر آثار هم عصر مولانا نیز دیده می شود « حمد بی حد و ثنای بی عد پادشاهی را که وجود هر موجود نتیجه جود اوست... ». (نجم الدین رازی، ۱۳۸۴، ۱).

در این نوع از تعابیر نیز یکی از نام های خدا یا ضمیر راجع به حق یا فعلی از افعال او، از متن آیه به سخن مولوی راه می یابد:

۱- ختم الله (غزل ۲۳۳ / بیت ۱۱) ۲- الله اشتری (غ ۳۳ / ب ۲۷) ۳- سقانا ربنا (غ ۲۷۱ / ب ۲)
 ۴- يفعل الله ما يشاء (غ ۲۶۴ / ب ۳) ۵- العزه لله جميعا (غ ۶۵۵ / ب ۸) ۶- من شرح الله (غ ۱۲۸۲ / ب ۹) ۷- جاء ربك و الملائك (غ ۲۸۹۶ / ب ۹) ۸- الله يدعوا (ترجیع ۲۸ / ب ۳۴) ۹- يحيى الموتى (غ ۱۶۹ / ب ۹) ۱۰- تعز من تشاء (غ ۷ / ب ۱۸) ۱۱- تجلی ربه (غ ۲۳۴۶ / ب ۹) ۱۲- يعلم الجهر (غ ۲۴۷ / ب ۳) ۱۳- ما رميت اذ رميت (غ ۱۹۵۴ / ب ۸) ۱۴- اخراج المرعى (غ ۲۴۷ / ب ۲) ۱۵- ينادی ربنا (غ ۳۲۱۰ / ب ۱۱) ۱۶- نحن نزلنا (غ ۲۵۲ / ب ۸) ۱۷- نفخت (غ ۲۶۵۴ / ب ۵) ۱۸- انا بنيناها (غ ۱۹۴۸ / ب ۱) ۱۹- كلّ الينا راجعون (غ ۲۵۰۹ / ب ۷) ۲۰- نحن الغالبون (غ ۱۹۴۸ / ب ۶) ۲۱- نحن اقرب (غ ۲۳۴۶ / ب ۱۰) ۲۲- سنقرنك (غ ۲۴۷ / ب ۵)

۱-۲. آن دسته از ابیاتی که فاعلیت و خالقیت خداوند با توجه به مضمون آیه بیان شده اما خود متن آیه وارد بیت نشده است بلکه گاه ترجمه بسیار نزدیک به متن آیه یا مضمون آیه با تغییر مختصر به نظم فارسی درآمده است: ۱- درسنگ سقایی می نهد (غزل ۲۰ / بیت ۱۹؛ اشاره به: سوره بقره (۲)، آیه ۶۰) ۲- خود دعا می گوید و اجابت می کند (غ ۳۰۹ / ب ۲؛ اشاره به: غافر (۴۰)، آیه ۶۰) ۳- گناه را به تسبیح و طاعت بدل می کند. (غ ۳۴۸ / ب ۷؛ فرقان (۲۵)، آیه ۷۰) ۴- خون را به نطفه تبدیل می کند. (غ ۵۴۳ / ب ۴؛ مومنون (۲۳)، آیه های ۱۲ تا ۱۴) ۵- بر دل ها قفل می نهد. (غ ۸۵۷ / ب ۷؛ بقره (۲)، آیه ۷) ۶- دل ما را می گشاید و می بندد. (غ ۴۷۸ / ب ۶؛ بقره (۲)، آیه ۲۴۵) ۷- برای وام گرفتن گرد مفلس می گردد. (غ ۵۶۴ / ب ۶؛ حدید (۵۷)، آیه ۱۱) ۸- کوه را که می کند. (غ ۱۰۹۰ / ب ۲؛ تغابن (۶۴)، آیه ۷) ۹- از زرگ گردن به بنده نزدیک تر است. (غ ۲۱۷۲ / ب ۸؛ (۵۰)، آیه ۵۰) ۱۰- از دود آسمان را ساخته است. (غ ۲۵۱ / ب ۱۱ و غ ۲۲۲ / ب ۱۲؛ فصلت

(۴۱)، آیه (۴۱) - ۱۱ - به بنده سلام می‌کند. (غ / ۲۱۸۱ / ب / ۱۰؛ انعام (۶)، آیه (۵۴) ۱۲ - طریقه نذبه و زاری را به بنده یاد می‌دهد. (غ / ۲۴۶۵ / ب / ۱۴؛ اعراف (۷)، آیه (۵۵) ۱۳ - زمین را برای بشر گهواره می‌کند. (غ / ۲۶۶۰ / ب / ۴؛ طه (۲۰)، آیه (۵۳) ۱۴ - بردل‌ها مهر می‌نهد. (غ / ۲۳۳ / ب / ۱۱؛ بقره، آیه (۷) ۱۵ - توبه پذیر است. (غ / ۳۴۸ / ب / ۶؛ غافر (۴۰)، آیه (۳) ۱۶ - یار بی‌خواب است. (غ / ۱۲۴۱ / ب / ۱۴؛ بقره، آیه (۲۵۵).

نظیر این بیت‌ها در دیوان شمس کم نیست و - چنان که گفته شد - نشانگر یک ویژگی سبکی در شعر مولوی است، از نظر مولانا خداوند فاعل مطلق است.
۳-۱. ابیاتی که هم کلمه یا کلماتی از متن آیه را آورده و هم مضمون همان آیه را در جایی دیگر به فارسی برگردانده است:

ز عشق روی تو روشن دل بنین و بنات بیا که از تو شود سیئاتهم حسنات
(غزل / ۴۷۴ / بیت ۱)

گناهت را کند تسبیح و طاعات که در توبه پذیری بی نظیری است
(غ / ۳۴۸ / ب / ۷ و هم چنین: غ / ۹۶۶ / ب / ۱۴)
به اقرض‌الله کدیه کند چو مسکینان که تا ترا بدهد ملک و متکا سازد
(غ / ۹۰۹ / ب / ۲)

شهی که کان و دریاها زکات از وی همی خواهند
به گرد کوی هر مفلس برای وام می‌گردد
(غ / ۵۶۴ / ب / ۶)

هم چنین گاهی قسمتی از مضمون یک آیه را به فارسی با قسمتی از متن یک آیه ممزوج می‌کند و آنها را در یک بیت می‌آورد:

کوه را که کند اندر نظر مرد قضا کاه را کوه کند ذاک علی الله یسیر
(غ / ۱۰۹۰ / ب / ۲؛ مصراع اول اشاره به آیه ۱۴۳ سوره اعراف و مصراع دوم اشاره به آیه ۷ سوره تغابن)

و در مواردی به شیوه بعضی از متون منثور دوره های نخست نثر فارسی، نخست قسمتی از آیه

و

سپس ترجمه آن را در یک بیت جمع می کند:

و هو معکم یعنی با تست در این جستن آن گه که تو می جویی هم در طلب او را جو

(غ ۲۱۷۲ / ب ۸ اشاره به آیه ۵۷ سوره ۴).

ب- دومین دسته از آیات که از حیث بسامد در غزلیات شمس بعد از ابیات توحیدی منعکس شده اند آیه های مربوط به انبیای الهی هستند. این نکته نیز در بررسی مشرب عرفانی مولوی قابل تعمق است، مولوی انبیای الهی را الگوی بندگان در سلوک می شمارد. از زندگی و سیره انبیا آن چه با توجه به قرآن در غزلیات شمس انعکاس یافته، عمدتاً وحی خداوند بر آنها و معجزاتی است که به اذن خدا بر دست آنان جاری شده است. در مجموع، منبع سخن مولوی درباب پیامبران قرآن است و از این حیث در مقایسه با مثنوی که مولوی علاوه بر کلام وحی از منابع تاریخ و تفسیر نیز استفاده می کند، قابل توجه است. هم چنین به اقتضای قالب سخن در اینجا مولوی به ایجاز می گراید، در حالی که در مثنوی قالب داستان و جرّار کلام، اطناب و تفصیل را الزام می کند.

۱- به زندگی پیامبر خاتم (ص) در ۱۴ بیت به صورت مستقیم با توجه به آیات اشاره شده است. از آن میان معراج پیامبر و شکافتن ماه به اشاره او و هم چنین عنایات خاص خدا نسبت به نبی بیشتر مورد توجه مولوی بوده است. این که در مثنوی به کرات از پیامبر و حوادث زندگی ایشان یاد شده، در حالی که در دیوان شمس، اشاره به این مطالب به نسبت کمتر است، جای تأمل دارد و شاید اقتضای حال و مقام و قالب سخن تا حدی آن را توجیه کند.

۱-۱، حوادث زندگی حضرت موسی (ع) بیش از همه انبیا در غزلیات شمس نمود دارد. در بیش از ۷۶ بیت از ۸۵۰ بیتی که منشأ قرآنی دارند به صورت اقتباس و تلمیح به حضرت موسی اشاره شده است. هم چنان که در قرآن نیز در چندین سوره از زندگی و معجزات آن حضرت سخن گفته شده است. گاهی سراسر یک غزل مولوی در باب اوست (غزل ۱۲۳). آن چه به خصوص در نظر مولوی در داستان موسی (ع) شورانگیز بوده، درخواست آن حضرت برای رویت حق و تجلی خداوند بر کوه طور و ملاقات با خداست. از دلایل پرشماری ابیاتی که به معجزات آن

حضرت اشاره دارد یکی این است که در ماجرای موسی (ع) رابطه خدا با بنده صورت ملموس تری دارد، پیامبر با خدا سخن می گوید و جواب می شنود و به صراحت تقاضای دیدار می کند، این نکات برای شخصی مانند مولوی که به تجربه ملموس و دیدن واقعه بیش از شنیدن اهمیت قائل بوده، جالب توجه بوده است. استفاده مهمی که او از داستان موسی ع در قرآن می کند یکی این است که چون یکی از بندگان الهی خداوند را دیده پس ما هم می توانیم او را ببینیم، وقتی خداوند بر کوه تجلی کرده پس ما بندگان از کوه کمتر نیستیم:

کوه طور از باده اش بی خود شد و سرمست شد

ما چه کوه آهیم آخر چه سنگ خاره ایم

(غزل ۱۵۹۴ / ب ۷ و هم چنین: غ ۲۳۶ / ب ۹)

مولوی همان قابلیت تجلی حق را در خود نیز می بیند و به همین دلیل ضمن بیان این ماجرا خود نیز اظهار همراهی با موسی ع می کند و حتی در چند بیت خود را به او تشبیه می کند:

درخت و آتشی دیدم ندا آمد که جانانم مرا می خواند آن آتش مگر موسی عمرانم

(غ ۱۴۱۴ / ب ۱)

بیا که همزه موسی شویم تا که طور که کلم الله آمد مخاطبه طوری

(غ ۳۰۷۳ / ب ۲۹)

۱-۲. از انبیا دیگر که اشاره مستقیم به نام و معجزات آنها با توجه به آیه های قرآن در

دیوان مذکور است، حضرت یوسف و یعقوب (ع)، ۲۸ بیت، حضرت عیسی و مریم ع، ۲۱ بیت، حضرت ابراهیم ع، ۱۴ بیت، حضرت سلیمان ع، ۱۱ بیت، آدم ع، ۶ بیت، داوود و یونس ع، هر کدام ۵ بیت، ایوب ع، ۳ بیت، نوح ع، ۲ بیت و صالح ع، ۱ بیت است. چنان که قبلا گفته شد اینها مواردی است که اشاره مستقیم به مضمون آیه دارد و به صورت اقتباس و تلمیح به کار رفته است، موارد غیر مستقیم بسیار بیش از این هاست. گفتنی است که در منابع غربی نیز اشاره به اشخاص و حوادث یک قسم از چهار قسم تلمیح شمرده شده است. (داد، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

۳- غیر از اشاره به داستان انبیا تعبیرات قرآنی دیگری نیز در دیوان شمس منعکس شده

است. این تعبیرات در سایر آثار عرفانی نیز به کار رفته است و نشان می دهد که تعالیم مولوی در

دیوان برپایه آنهاست. آیه معروف به نور که محل تاویل صوفیانه بسیاری واقع شده در ۱۵ بیت از دیوان تکرار شده و همه جا به معنای قرآنی نیامده و در معانی مجازی نیز به کار رفته است، چنان که گاهی نور شمس تبریزی را «لا شرقی و لا غربی» خوانده و زمانی دل عارف را «زجاج» و نور حق را «مصباح» آن دانسته است (غزل ۱۹۴۷ / ب ۱۷ و غزل ۱۶۸۳ / ب ۷). آیه معروف به عهد الست در ۱۵ بیت به کار رفته و البته همه جا آن را در معنای قرآنی نیاورده است. هم چنین از ریحی قرآنی (سوره انسان ۷۶؛ آیه های ۵، ۱۷ و ۲۱) در ۱۹ بیت سخن گفته است. بدین معنی که شاعر به اقتضای تسداعی معانی در غزل و نگرش خاص خود که در هر چیز دو جنبه زمینی و آسمانی می بیند، حین بحث از باده زمینی، از باده آسمانی یاد کرده و خمیره سرایی و باده ستایی را که از طریق سنت شعر عربی و فارسی به او رسیده به ریحی قرآنی پیوند زده است.

تعبیرهای قرآنی *قَاب قَوْسین و ما زاع و نحن اقرب* (سوره نجم ۵۳، آیه های ۸، ۹ و ۱۷) که اشاره به نزدیکی بنده به حق و حق به بنده دارد به ترتیب در ۱۱ و ۷ بیت ظاهر شده است. آیات اخیر در بیشتر آثار عرفانی محل استدلال و استشهاد است و مجموع تأویل ها و برداشت های عرفا و متصوفه از این گونه آیات خود در حد کتابی است. تعبیر قرآنی ساخته شدن آسمان از دود در ۵ بیت آمده و شاعر همه جا آن را نشانه ای از قدرت خالق شناخته است. هم چنین تعبیر قرآنی هل اتی (سوره انسان، آیه ۱) در ۷ بیت ذکر شده است.

۱- در پاسخ به پرسش دوم جستار حاضر باید گفت، به غیر از بیت هایی که مضمون آیه و نه متن آیه به نظم فارسی ترجمه شده، در سایر بیت های مورد بحث، کلمات قرآنی تقریباً در همه قسمت های بیت ها پراکنده است. گاهی کل بیت یا یک مصراع، یک آیه یا بیشتر است مانند:

قد وجدت امراه تملکهم اوتیت من کل شیء و لها

(غزل ۲۷ / بیت ۲۳، مقتبس از آیه ۲۳ سوره نمل)

یا یک مصراع از بیت قسمتی از یک یادو آیه است:

بعثر ما فی القبور، حصّل ما فی الصدور آمد آواز صور روح به مقصد رسید

(غ ۸۲ / ب ۱۳، سوره العادیات: آیه های ۹ و ۱۰)

غار جنت شود چو هست در او ثانی اثین اذ هما فی الغار

(غ ۱۱۵۸ / ب ۴، سوره توبه: ۹: آیه ۴۰)

گر شما محرم ضمیر نه اید فاستلوهن من وراء حجاب

(غ ۳۱۷ / ب ۸، سوره احزاب: ۳۳: آیه ۵۳)

۱-۲. حین بحث از جایگاه آیه ها در ابیات ذیوان شمس نباید از نقش وزن و به خصوص قافیه غافل شد، از مجموع ۸۵۰ بیت مورد بحث، در بیش از ۱۹۳ بیت، کلمه یا کلمات قرآنی در قافیه آمده است و این تعداد نشانگر اهمیت قافیه در کاربرد کلمات است. هم چنین گاه قسمتی از متن آیه به عنوان ردیف یک غزل قرار گرفته است:

حجاب از چشم بگشایی که سبحان الذی اسری

جمال خویش بنمایی که سبحان الذی اسری

(غ ۲۵۳۸ / ب ۱)

گاهی مولوی کلمات قرآنی مربوط به یک سوره کوتاه را به تناسب در قافیه بیت های یک غزل کوتاه قرار می دهد، مثلا در غزلی کوتاه، آیه نخست سوره اعلی با اندکی تصرف در قافیه بیت اول آن آمده است:

بانگ تسبیح بشنو از بالا پس تو هم سبح اسمه الاعلی

(غزل ۲۴۷ / ب ۱)

سه آیه بعدی همین سوره در قافیه ابیات دیگر همان غزل درج شده است. این شیوه در شعر سنایی نیز دیده می شود و مولوی که میزان قابل توجهی از اشعار او را تضمین کرده، بعید نیست در این زمینه تحت تاثیر شاعر غزنوی قرار گرفته باشد. عمده قافیه هایی که بر مبنای کلمات قرآن شکل گرفته اند گاهی یک جمله فعلیه مانند *یفعل الله ما یشاء* (غ ۲۰ / ب ۱۳) دنی تدکی (غ ۱۸۵ / ب ۶) *تعز من تشاء* (غ ۷ / ب ۱۸) و *لن ترانی* (غ ۸۲۲ / ب ۷) و گاهی جمله ای با مبتدا و خبر مانند *عنده ام الكتاب، علی العرش استوی، أنا قعودها هنا و گاهی یک فعل یا اسم مانند اثتیا و والضحی هستند.*

۳- در بررسی این موضوع که بیشتر، متن آیه در غزل های مولوی منعکس شده یا مفهوم و مضمون آیه آمده و به عبارت دیگر موارد اقتباس بیشتر است یا تلمیح، بد نیست که نخست به

اختلاف اقتباس و تلمیح اشاره ای بشود؛ منابع معدودی بین این دو تمایز قائل شده اند و در این جستار نیز همین تفکیک مبنا قرار گرفته است: «تلمیح اشارتی لطیف به آیه قرآن یا حدیث و مثل سایر یا داستان و شعری معروف کرده و عین آن را نیاورده باشد اما در اقتباس شرط است که عین عبارت مورد نظر یا قسمتی از آن را که حاکی و دلیل بر تمام جمله اقتباس شده باشد، بیاورند» (همایی، ۱۳۷۷: ۳۸۶). همچنین در منبع دیگری آمده است: «اقتباس آن است که گوینده یا نویسنده آیه ای از قرآن یا قسمتی از خدیشی یا قطعه ای از جایی، نقل کند بی آن که نام مأخذ را ذکر کند» (داد، ۱۳۸۳: ۴۶).

از مجموع بیش از ۸۵۰ بیت غزل های شمس که دارای کلمات و اشارات قرآنی است، بیش از ۲۲۱ بیت صورت تلمیح دارد، به این معنی که ترجمه و مضمون آیه در جامه نظم فارسی ظاهر شده است. این نوع تلمیح به آیه در منابع قدیم بدیع فارسی تحت عنوان «معنی آلیات بالایات» آمده است. «شاعر بیتی گوید کی معنی وی نزدیک بود به قول خدای...» (رادویانی، ۱۳۶۲: ۱۲۵) این ابیات به طور عمده با افعالی نظیر فرمود یا بشنو شروع می شوند و بیش از ۲۱ بیت همین شکل بیان را حفظ کرده و به صورت نقل قول از خداوند به کاررفته اند. هم چنین شاعر برای تاکید مطلب، گاه مأخذ سخن خود را نشان می دهد:

فرمود که نور من مانده مصباح است مشکات و زجاجه گفت سینه و بصر ما را

(غزل ۷۶ / بیت ۱۲)

بشنو از آیت قرآن مجید گر تو باور نکنی قول مرا

(غ ۱۸۴ / ب ۴)

در این گونه ابیات مفهوم یا مضمون قرآنی به صورت کامل در یک بیت آمده و در همان بیت تمام شده است اما در موارد اقتباس همیشه یک مفهوم کامل قرآنی مطرح نمی شود بلکه قسمتی از یک آیه معمولاً به صورت مضاف الیه یک کلمه فارسی آمده و شاعر از مفهوم خود آیه دور شده و مقصود مورد نظر خود را بیان کرده است، مثلاً در بیت های:

بانگ سرنای چه گر مونس غمگینان است از دم روح نفخنا دل سرنا چه خوش است

(غ ۴۱۴ / ب ۴)

از سقاهم ربهم بین جمله ابرار مست وز جمال لایزالی هفت و پنج و چار مست
(غ ۳۹۸ / ب ۳)
گرچه کلمات « نفخنا » و « سقاهم ربهم » از متن آیه مقتبس اند ولی شاعر قصد بیان مطلب دیگری دارد.

ابیاتی نیز هست که هم قسمتی از متن یک آیه و هم قسمتی از ترجمه آن را در یک بیت جمع کرده است:

اگر چه بحر کرم موج می زند هر سو به حکم عدل خبیثات مر خیشین راست
(غ ۴۸۳ / ب ۱۲)

غیر از این تعداد موارد تلمیح، بقیه ابیات اقتباس از قرآن است یعنی از متن کامل آیه تا یک کلمه در بیت درج شده است. بایک مقایسه ساده معلوم می شود که تکرار نص تعبیر و کلمات قرآنی در ذهن و زبان مولوی اهمیت بیشتری دارد. هر چند در موارد متعددی ابیات از معنای قرآنی دور شده و معانی مجازی گرفته است. اما، دامنه این تغییرات چقدر است؟ این موضوع پرسش چهارم را پیش می کشد، تصرف مولوی در به کار گیری لفظ و معنای آیه چگونه است؟

۴- شک نیست که بسیاری از معانی و کلمات قرآنی ناخود آگاه در حین سرودن و لحظه های الهام و حس شاعرانه از زبان مولوی سرریز کرده است. طبیعی است که این مفاهیم در ذهن ورزیده مولوی صورت های مختلف به خود بگیرد و در قالب ترکیب های جدید عرضه شود. این همه تعبیر قرآنی که مستقیم و غیر مستقیم در غزل او منعکس شده نشان دهنده انباشتگی ذهنی او از مفاهیم وحی است که به صور مختلف وارد دیوان شده است.

۴-۱. در مواردی یک آیه بدون کمترین تصرف در یک بیت جای گرفته است:

تشنه را کی بود فراموشی چون سقر نثک فلا تنسی
(غزل ۲۴۷ / بیت ۵، آیه ۶، سوره ۸۷)
واللیل اذابغشی ای خواب برو حاشا تا از دل بیداران صد تحفه بری امشب
(غ ۲۹۱ / ب ۴، آیه ۱، سوره ۹۲).

۲-۴. به اقتضای سخن گاهی در یک بیت قسمتی از یک آیه و در جای دیگر قسمتی دیگر از همان آیه را به کار برده است، مثلاً آیه نخست سوره اسراء به صورت زیر در دو بیت وارد شده است:

حجاب از چشم بگشایی که سبحان الّذی اسری

جمال خویش بنمایی که سبحان الّذی اسری

(غ / ۲۵۳۸ / ب ۱)

چو عشق چهره لیلی بدان همه ارزید چگونه باشد اسری بعبده لیلی

(غ / ۲۱۳ / ب ۶)

۳-۴. در موارد متعددی مولوی، احتمالاً به ضرورت وزن، در الفاظ آیه تصرف می کند، این امر گاهی به صورت حذف یک حرف، کلمه و گاه کلماتی از آیه است تا در بحر عروضی بیت جای بگردد. مثلاً بیت: قد وجدت امراه تملکهم اوتیت من کل شیء و لها
(غ / ۱۸۴ / ب ۴، اشاره به آیه ۲۳ سوره ۲۷)
در متن آیه به صورت انی وجدت... است.

هم چنین بیت: بانگ تسبیح بشنو از بالا پس تو هم سبح اسمه الاعلی (غ / ۲۴۷ / ب ۱)، در متن آیه به صورت: سبح اسم ربک الاعلی است. گاهی در یک بیت از بیش از یک آیه اقتباس شده است:

بیا بیا که هم اکنون به لطف کن فیکون بهشت در بگشاید که غیر ممنون است

(غ / ۴۸۵ / ب ۱۲، مصراع اول مقتبس از آیه ۵۹ آل عمران و مصراع دوم از آیه ۸ سوره

فصلت (۴۱)

این گونه ابیات در موارد تلمیح نیز مصداق دارد.

۴-۴. بیشترین موارد تصرف در معنا و مفهوم آیات را ابیاتی در بر می گیرد که مولوی در

صدد بیان حالات روحی خویش است.

این قسم تلمیح با ساختار غزل و به خصوص طرزغزل گویی مولوی سازگار است، شعر غنایی نجوای روح شاعر است و چنین است که مولوی با سرودن غزل، هم خود را می شناسد و هم خود را به مخاطب می شناساند و در این سیر روحی از آیات وحی نیز مدد می گیرد. در بیش از ۷۲ بیت مولوی به مدد آیات وحی، آرزوهای خود را بیان می کند. یکی از مصادیق تصرف در چنین آیاتی - چنان که قبلاً اشاره شد - احساس همراهی شاعر با انبیا و آرزوی داشتن حس و حال و عنایاتی است که به آنها بخشیده شده است:

مگر من یوسفم در قعر چاهی مگر من یونسم در بطن ماهی

(غ / ۲۶۴۹ / ب ۲)

موسی جانم به که طور رفت آمد هنگام ملاقات من

(غ / ۲۱۱۱ / ب ۳)

شاعر با تشبیه حال خود به حال انبیا خود را تسلیم حق می کند تا تبدیل یابد و تکامل روحی پیدا کند، به خصوص از حالات حضرت موسی (ع) مثال های زیادی می آورد:

دخلت التیه بالبلوی و ذقت المنّ و السلوی

چهل سال است چون موسی به گرد این بیابانم

(غ / ۱۴۱۴ / ب ۲)

خواه ما را مار کن خواهی عصا معجز موسی و برهان تو ایتم

(غ / ۳۶ / ب ۲۲)

و چون تحت عنایت حق تبدیل و تکامل روحی یافت، به جایی می رسد که خود مبدل می شود:

پاره پاره شود و زنده شود چون که طور گر ز برق دل خود بر که و کهسار زنیم

(غ / ۱۶۴۶ / ب ۱۱)

نمونه هایی از این دست در غزل مولوی بسیار است و می توان گفت او در بیشتر مواردی که با اقتباس و تلمیح به زندگی انبیای الهی اشاره دارد، حال خود را بیان کرده است. جالب است که

بعضی از علمای بدیع چنین مواردی را از ادب خارج شمرده اند «اقتباس مردود آن است که مودی شود به تشبیه به خدا و رسول...» (شمس العلمای قریب، ۱۳۷۷: ۷۵).

۴-۵. شاعر در ابیات دیگری که باز با تصرف معنا و مفهوم همزاه است، در صدد توصیف طبیعت است و اعلام آمدن بهار که مولوی بدان علاقه بسیاری داشته است، در این جا به کمک تعبیرهای قرآنی چنین تصاویری آفریده است:

طیور نعره ارنی همی ز نند چرا که طور یافت ربیع و کلیم جان میقات

(غ / ۴۸۲ / ب ۹)

بشنو ز بهار نو سقامم در جام کن آن شراب احمر

(غ / ۱۰۵۶ / ب ۶)

تلی السرائر است و قیامت میان باغ دل ها همی نمایند آن دلبران چین

(غ / ۲۰۴۶ / ب ۴)

ایاک نعبد است زمستان دعای باغ در نوبهار گوید ایاک نستعین

(غ / ۲۰۴۶ / ب ۶)

نی ها و خاصه نیشکر بر طمع این بسته کمر رقصان شده در نیستان یعنی تعز من تشاء

(غ / ۷ / ب ۱۸)

۴-۶. بخش کوچک تر دیگری از ابیات که هم چنان شاعر در معنای آیه تصرف کرده یا به عبارتی در تصویر پردازی خویش از تعبیر قرآنی استفاده کرده آن جاست که طبق سنت غزل فارسی، می خواهد معشوق را وصف کند:

نبنشته است خدا گرد چهره دلدار خطی که فاعثروا منه یا اولی الابصار

(غ / ۱۱۳۶ / ب ۱)

در طره هاش نسخه ایاک نعبد است در چشم هاش غمزه ایاک نستعین

(غ / ۲۰۵۳ / ب ۵)

طرفه آن که مولوی در بیان این گونه تعبیرات و تعبیراتی نظیر باده ستایی که از ذات غزل جدایی نمی پذیرد به نسبت، کمتر از قرآن استفاده کرده است. این نکته نشان می دهد برای مولانا

نفس تعلیم مهم است نه قالب سخن، به همین دلیل به تعداد ابیات غزل و الفاظ خاص این قالب توجهی ندارد و با ارائه محتوای جدید در شکل شعر نیز نوآوری می‌کند. آنچه نمونه وار از موارد رابطه غزلیات شمس با کلام وحی در این جستار مطرح شد، تنها فتح بابی است در موضوع تاثیر پذیری مولانا از قرآن و استقصای کامل ابیات و نمونه‌ها جستجوگر را بیشتر به عمق تاثیر کلام وحی بر جان و جهان و زبان مولانا آشنا خواهد ساخت.

۳) نتیجه

تجلی آیه های وحی در غزلیات مولوی در لفظ و معنا به طور عمده توأم با تصرف و تغییر است. از جمله دلایل این موضوع، وزن و قافیه است. جابجایی کلمات آیه و تغییر الفاظ و ضمائر در لفظ و تغییر معنا و دادن معانی مجازی به مفهوم آیه از جمله این تغییرات و تصرفات است. از نظر مفهوم نیز شاعر در موارد بسیاری از معنای اصلی آیه دور می‌شود و آن را در معنای مراد خود به کار می‌برد. از جمله آیات وحی، آیات توحیدی که بیانگر صفات و افعال خداوند هستند از نظر کمیت، در درجه نخست اهمیت هستند و سپس بیان حالات و معجزات انبیای الهی است که مولوی در ضمن بیان موجز و با ساختن ترکیب هایی که اساس آنها تعبیر قرآنی است، ضمن بیان تعالیم عرفانی، به خود شناسی پرداخته و حین بیان احوال خود، آرزوی رسیدن به همان درجات روحی انبیا را داشته و منتظر همان نوع عنایت های باری بوده است. استفاده مولوی از آیات وحی از باب زینت و زیور غزل نیست بلکه او به وجهه الگو بودن تعالیم قرآن توجه دارد. به همین دلیل از میان شخصیت های قرآنی، به انبیای الهی توجه بیشتری نشان می‌دهد.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم، (۱۳۷۴) ترجمه، توضیحات و واژه نامه، بهاء الدین خرمشاهی، تهران، نیلوفر - جامی. داد، سیما. (۱۳۸۳). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، تهران، مروارید.
- رادویانی، محمدبن عمر. (۱۳۶۲). *ترجمان البلاغه*، به تصحیح احمد آتش، تهران، اساطیر.

رازی، نجم الدین دایه. (۱۳۸۴)، *مرصاد العباد*، به تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، علمی و فرهنگی.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۴) *سرنی*، تهران، علمی.

سبحانی، توفیق، (۱۳۸۶) *دیوان کبیر، کلیات شمس تبریزی*، نسخه قونیه، همراه با توضیحات، فهرست و کشف الایات، ۲ جلدی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

صفا، ذبیح الله. ۱۳۶۳. *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوسی.

فاضلی، قادر. (۱۳۷۹)، *آیات واحادیث در کلیات شمس تبریزی*، قم، فضیلت علم.

فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۳). *کلیات شمس یا دیوان کبیر*، تهران، امیر کبیر.

گرگانی، شمس العلماء. (۱۳۷۷)، *ابداع البدایع*، به اهتمام حسین جعفری، تبریز، احرار. نیکلسن، رینولد آلین. ۱۳۷۵. *مثنوی معنوی*، تهران، توس.

همایی، جلال الدین. (۱۳۷۷)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران، هما.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی